

چشم‌انداز رفاه اجتماعی در جهان امروز*

گردآوری و ترجمهٔ دکتر ناصر موفقیان

در این شماره:

- جامعه‌ای با دو سرعت
- مالیات بر ثروت و عدالت اجتماعی
- توسعهٔ اجتماعی در جهان امروز
- عقیم‌سازی و سقط‌جنین اجباری...
- حزب سالمندان
- ایجاد اشتغال از طریق تسهیل بیکاری

* مآخذ مورد استفاده در این مقاله:

Independent, Le monde, ILO, USA today, Associated Press, AFP, Network Social Security, CNN, Reuter, Guardian.

جامعه‌ای با دو سرعت

سیمای ناپیدای فقر طبقه متوسط، بیکاری جوانان و «اصلاحات ساختاری»

در آبان‌ماه گذشته، هنگامی که دولت لیبرال دمکرات نخست‌وزیر ژاپن، جونیشیرو کوازومی، برای تعیین تکلیف «اصلاحات اقتصادی» مورد نظر خود و پیش بردن موج جدید خصوصی‌سازی، انتخابات پارلمانی زودتر از موعد را آغاز کرده بود، تبلیغات انتخاباتی کم‌سابقه‌ای برای متقاعد کردن رأی‌دهندگان برپا شد. حزب پشتیبان نخست‌وزیر کوازومی با تمام قوا به صحنه کارزار آمده بود. همه‌جا، بر در و دیوار شهرها و روستاها شعار انتخاباتی آمرانه‌ای به چشم می‌خورد: «اجازه ندهید اصلاحات متوقف شود».

اصلاحات مورد نظر نخست‌وزیر ژاپن و حزب حاکم در حقیقت همان چیزی است که در کشورهای دیگر با عنوان «خصوصی‌سازی» مطرح می‌شود و نخستین هدف آن هم کوتاه کردن دست دولت از تصدی سازمانها و دستگاه‌های تولیدی و خدمات عمومی است؛ کاری که در ژاپن با لایحه دولت در مورد خصوصی‌سازی کامل پست و تلگراف و تلفن شروع شده بود. اقدامی که در پی آن، مخالفت‌های شدید دیگر احزاب حاضر در پارلمان ژاپن، دولت کوازومی را عملاً در آستانه سقوط قرار داد.

جامعه‌ای با دو سرعت

در گرماگرم همین مبارزات انتخاباتی سرنوشت‌ساز بود که در زیر همان آگهی‌های دیواری بس بالابند بر در و دیوار شهرها، روزنامه‌نگاران خارجی با گروه‌های چشمگیری از افراد بی‌سروسامان و خیابان‌خواب مواجه می‌شدند که در گوشه و کنار گذرگاه‌های عمومی روزگار می‌گذرانند و کوچکترین توجهی هم به هیاهوهای انتخاباتی نداشتند. یکی از همین خبرنگاران خارجی در گزارش خود منظره را چنین توصیف می‌کند:

«در گوشه دیگری از پیاده‌رو، درست زیر شعارهای هشداردهنده‌ای که متوقف‌شدن سیاستهای تعدیل اقتصادی را سرآغاز فروپاشی کشور اعلام می‌کند، خیابان‌خواب بی‌سروسامانی روی نیمکت تشسته است و در برابر این پرسش که "نظر شما چیست؟" بل‌بخند

خفیفی پاسخ می‌دهد: «این حرف‌ها ربطی به من ندارد...». و، در پاسخ پرسشی دیگر مبنی بر آنکه، «درباره نامزدهای رقیب نخست‌وزیر کنونی چه نظری دارید؟» باز سری تکان می‌دهد و زیر لب می‌گوید: «آنها هم همین‌طور...». در لحن سرد این مرد پنجاه‌ساله بی‌سرنهاده حتی نوعی تلخی یا زهرخند هم احساس نمی‌شود: او صاحب و کارفرمای یک کارگاه فلزکاری کوچک بوده است که ورشکست شده، و برای فرار از دست طلبکاران به یکی از مجتمع‌های فقیرنشین کنار رودخانه سومیدا در توکیو پناه آورده است که آنها را «روستاهای چادرنشینی آبی» می‌نامند. این گروه‌های گسترده بی‌سروسامان همه در اثر ورشکستگی‌ها و اخراج‌های ناشی از «تجدید ساختار» مؤسسات تولیدی و خدماتی کشور به وجود آمده‌اند و، در حقیقت، بخش قابل رؤیت «فقر جدید» در ژاپن امروز را نشان می‌دهند.^۱

در انتخابات پارلمانی آبان‌ماه ۱۳۸۴ ژاپن، حزب نخست‌وزیر کوازومی اکثریت لازم برای ادامه همین «اصلاحات ساختاری» را به دست آورد. در ماهها و سالهای آینده، نتایج قطعی این «اصلاحات» روشن‌تر خواهد شد. ولی از هم اکنون شواهد امر حاکی از آن است که ژاپن مبدل به جامعه‌ای شده است با دو سرعت که در متن آن اختلاف‌های اجتماعی و منطقه‌ای، بدون سروصدا، افزایش می‌یابد. این جریان، همراه با پیرشدن روزافزون جامعه ژاپن، به صورت نگرانی پنهان بخش بزرگی از افکار عمومی کشور درآمده است؛ بخشی که با اضطراب فزاینده‌ای شاهد افت مداوم سطح زندگی و آینده فروکاهنده خود است و کاری هم از دستش بر نمی‌آید، بویژه در مورد آینده نظام بازنشستگی که بیش از پیش تیره و غیرقابل اعتماد به نظر می‌رسد.

سیمای ناپیدای فقر در ژاپن

در نیمه اول سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) وضع اقتصادی کشور تا حدی بهبود یافت و آثاری از رشد مجدد اقتصادی پدید آمد. ولی، این حرکت بسیار خفیف در حدی نبوده است که به معجزه‌ای بینجامد و وخامت روزافزون اختلاف‌های اجتماعی را کاهش دهد.

واقعیت این است که دور از بازارهای سهام و عملکرد چشم‌نواز صنایع سودآفرین، و همچنین دور از بازی‌های سیاسی صاحبان قدرت، و باز هم دور از عرضه گسترده کالاهای لوکس

۱. لوموند، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵.

در شهرهای بزرگ و محله‌های اشرافی کشور، ژاپن دیگری هم وجود دارد که متشکل از انبوه عظیمی از مردم بی‌بضاعت است که به طور معمول در پرتو دوربین‌ها و نمایشگاه‌ها و چشم‌اندازهای دل‌فریب تبلیغاتی قناری نمی‌گیرند. ولی، این جماعت خاموش و سر به زیر را می‌توان در لابه‌لای چین و چروک‌های شکوفایی و توسعه اقتصادی، در امتداد خیابان‌هایی با فروشگاه‌های ورشکسته و کارگاه‌های تعطیل‌شده مشاهده کرد. سیمای دیگری از این ورشکستگی‌ها و تعطیل‌ها و اخراج‌ها را می‌توان در ستون حوادث و در میان نامه‌های خوانندگان روزنامه‌های بزرگ کشور تشخیص داد: افزایش خودکشی‌ها به میزان یکصد مورد در روز که بیشتر آنها به دلایل اقتصادی است.

این سیمای فقر و درماندگی روزافزون را می‌توان از میان آمارها و شاخص‌های اقتصادی کشور نیز بیرون کشید. به عنوان نمونه، بر اساس آمار و ارقام «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»^۱، ۱۵ درصد از خانوارهای ژاپنی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، و درآمد آنها کمتر از نصف درآمد متوسط ملی است. و، در ظرف دهه گذشته شمار افرادی که محتاج به دریافت کمک‌های اجتماعی شده‌اند، ۶۰ درصد افزایش یافته و به یک میلیون نفر رسیده است.

بیکاران ناپیدا

ژاپن در حال پیر شدن است، ولی این فقط آدمهای سالخورده نیستند که رنج می‌برند. بنگاه‌های کاریابی یا «قهوه‌خانه‌های شغل‌یابی» که فضای خوش‌برخوردتری دارند شاهد این مدعا هستند. در این نوع قهوه‌خانه‌ها همواره تعداد زیادی از جوانان را می‌بینیم که با یک فنجان قهوه در برابر ردیف‌هایی از کامپیوترها می‌نشینند و در جستجوی کار به آگهی‌های استخدام کامپیوتری روی می‌آورند. در واقع، گذشته است زمانی که دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مدارس عالی به مجرد دریافت گواهینامه‌های پایان تحصیلی در مؤسسه‌های تولیدی و خدماتی مورد علاقه خود به کار گرفته می‌شدند.

بر اساس آمارها در سال ۱۹۹۲، بیش از ۸۰ درصد از این دانش‌آموختگان در مدت کوتاهی به استخدام در می‌آمدند. ولی در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)، این نسبت از ۵۵ درصد تجاوز نمی‌کند.

1. Organization for Economic Corporation Development (OECD)

بدشانس‌ترین جوانها آنهايي هستند که استعدادهاي ویژه‌اي ندارند و فقط با تخصص‌هاي معمولي وارد بازار کار مي‌شوند؛ گروهی که در واقع اکثریت جوانها را دربر می‌گیرد.

نرخ ناچیز بیکاری (۴/۲ درصد) تا حد زیادی فریب‌دهنده است و واقعیت تلخی را پنهان می‌دارد: شمار استخدام‌هاي نامحدود از نظر زمانی به شدت کاهش یافته و، برعکس، شمار شغل‌هاي کوچک و کارهاي کوتاه‌مدت به میزان زیادی افزایش یافته است. بدین ترتیب، بسیاری از جویندگان کار در آمار بیکاران به حساب نمی‌آیند، زیرا در کارهاي کوتاه‌مدت مشغول‌اند و به همین دلیل «بیکار» محسوب نمی‌شوند. در حال حاضر، بیش از ۳۵ درصد از کارگران (یعنی نزدیک به ۲۰ میلیون نفر) با قراردادهای کوتاه‌مدت استخدام شده‌اند.

یکی از ویژگی‌هاي این تحول بازار کار در ژاپن امروز، به وجود آمدن نوع تازه‌اي از کارگران است که آنها را «فریترز»^۱ (کارگر آزاد) می‌نامند. شمار این نوع کارگران به بیش از ۴ میلیون می‌رسد. جوانانی (اعم از پسر و دختر) که اکثرشان در واقع امر دانش‌آموختگانی با کمتر از ۳۴ سال سن‌اند که دیگر دانشجو محسوب نمی‌شوند، اما به طور تمام وقت هم استخدام نشده‌اند.

نابرابری در رؤیاپروری

این پدیده نمایشگر همگرایی دو رویداد متفاوت است: انقباض بازار اشتغال و تمایلات «کوچ‌نیشینی» نسل جوانی که شیوه‌هاي زندگی تازه و تغییر شغل‌هاي سریع و ناگهانی را ترجیح می‌دهد. بعضی از جوانان این وضع و حال را جالب و هیجان‌انگیز می‌دانند و برخی دیگر سرخورده و ناکام باقی مانده‌اند. آن‌گونه که از آمار رسمی برمی‌آید، یک سوم از شاغلان دوره‌اي یا غیرتمام وقت کمتر از ۱۰۰۰،۰۰۰ پین (۸۰۰ یورو) در ماه، و یک سوم دیگر از آنان از ۱۰۰،۰۰۰ تا ۲۰۰،۰۰۰ یورو در ماه درآمد دارند.

ماجرای این قرار است که در زمان رشد و شکوفایی اقتصادی، هر یک از این جوانان، دل خود را به این اندیشه خوش می‌داشت که سرانجام روزی بخت به او روی خواهد آورد و تلاشهایش به بار خواهد نشست. ولی امروز خبری از این حرفها نیست، زیرا نوعی نابرابری در بخت و اقبال هم به نابرابری‌هاي اقتصادی و کمی افزوده شده است: از این به بعد فقط دو واقعیت وجود دارد:

۱. *freeters*، اصطلاحی رایج در ژاپن که از ترکیب واژه «free» انگلیسی (به معنای «آزاد») و واژه آلمانی «arbeit» (به معنای «کار») ساخته شده است.

«قبیله برندگان» و «قبیله بازندگان». در حقیقت، جامعه ژاپن به دو بخش متفاوت تقسیم شده است که هر کدام از آنها روزبه‌روز منجمدتر و انعطاف‌ناپذیرتر می‌شود، به نحوی که بازندگان به ندرت می‌توانند به اردوی برندگان راه یابند. و همه آنها هم این را می‌دانند. پدیده‌ای که جامعه‌شناس ژاپنی، ماساهیرو یامادا، آن را «نابرابری در امیدواری» می‌نامد. به گفته کواشی کاتو، ستاره سابق حزب لیبرال - دمکرات، «ژاپن دیگر رؤیایی در سر ندارد».

نگرانی از افزایش نابرابری

در سالهای بین ۱۹۶۰ و ۱۹۸۵، یعنی به مدت بیست و پنج سال، این احساس که همه مردم کشور شاهد بالا رفتن سطح زندگی خود خواهند بود، اسطوره بزرگ رشد اقتصادی ژاپن را تشکیل می‌داد. به موجب این اسطوره اکثریت وسیع جامعه ژاپنی تشکیل دهنده «طبقه متوسط»ی می‌شدند که کمتر با شاخص درآمد و بیشتر با شاخص مشارکت در مصرف انبوه جامعه‌ای سنجیده می‌شد که در حال برآمدن بود و لعاب فرهنگ سنتی را هم بر خود داشت.

این احساس بر پایه گرایشی شکل گرفته بود که نوعی برابری نسبی در جامعه ژاپنی را نوید می‌داد. ضریب جینی، که نابرابری‌های درآمد خانوارها را می‌سنجد، تا مدتی در ژاپن با ضریب کشورهای اسکاندیناویایی قابل قیاس شده بود. شکاف بین ۲۰ درصد از جمعیت کشور که کمترین درآمدها را داشتند و ۲۰ درصدی که ثروتمندتر از همه بودند در پایان سال ۱۹۸۵ از حد یک تا سه چهارم تجاوز نمی‌کرد. ولی دوره «پول درآوردن آسان» از راه زدو بندهای بی‌در و پیکر و، سپس، هزینه‌های اجتماعی ترکیدن این حباب فریبنده، جهت را معکوس ساخت و شکاف بین درآمدها و هزینه‌های زندگی رو به افزایش گذاشت. بحران اجتماعی در ژاپن با آهنگی کُندتر از بحران اقتصادی دامنه گرفته است و به همین دلیل تاکنون نشانه‌های گسستگی پیوندهای اجتماعی چندان چشمگیر نبوده است. ولی ۶۰ درصد از ژاپنی‌هایی که دو دهه قبلی را با امیدواری‌های بزرگ شروع کرده بودند، اکنون خود را در سطحی پایین‌تر از «طبقه متوسط» می‌دانند.

در طول چهار سال گذشته، حزب لیبرال - دمکرات حاکم، این ۶۰ درصد جمعیت نگران و پریشان‌حال را به فداکاری و تحمل ضربه‌های اقتصادی متوالی فراخوانده است ولی، به گفته ماسارو کانکو، اقتصاددان، کار مهمی برای بهبود سطح زندگی آنها انجام نداده است. بسیاری از

این بخش عظیم جمعیت بی‌صبرانه منتظر اعمال سیاست‌هایی هستند که به روش‌های عادلانه‌تری برای توزیع ثروت ملی منجر شوند. در سال ۱۹۸۵، رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت امریکا، از مردم آن کشور می‌پرسید که «آیا وضع و حال خود را بهتر از چهار سال پیش می‌دانند؟» در شرایط کنونی، تصور نمی‌رود که آقای کوازومی، نخست‌وزیر ژاپن، بتواند چنین پرسشی را در کشور خود مطرح سازد. □

مسئله مالیات بر ثروت و توسعه عدالت اجتماعی

از پانزده کشور عضو اتحادیه اروپایی پنج کشور هنوز هم نظام مالیات بر ثروت را حفظ کرده‌اند: اسپانیا، فرانسه، یونان، لوگزامبورگ و سوئد. در عوض، بین سالهای ۱۹۹۳ و ۲۰۰۱، چهار کشور عضو اتحادیه اروپا (آلمان، اتریش، دانمارک و هلند) مالیات بر ثروت را به طور کلی حذف کرده‌اند.

این تحول مالیاتی چشمگیر در اروپا، گذشته‌ای به نسبت طولانی دارد. در نیمه دوم دهه ۱۹۷۵، به موازات گسند شدن مداوم رشد اقتصادی، گرایش محسوسی در جهت ارائه برداشت‌هایی جدید نسبت به مسئله مالیات بر ثروت به وجود آمده بود. استدلال‌هایی هم که برای توجیه چنین مالیات‌هایی پیش کشیده می‌شد در آن زمان بیشتر متکی بود بر ضرورت تحکیم و توسعه عدالت اجتماعی و نه کارایی و رشد اقتصادی. به عنوان نمونه، حزب «اجتماع مردم فرانسه» که خود را ادامه‌دهنده خط اقتصادی - اجتماعی حکومت ژنرال دوگل معرفی می‌کرد، در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۷۸، زیر عنوان پرچاذه «مبارزه بر ضد امتیازها» اعلام کرد که در صورت برنده شدن در انتخابات مجلس قانونگذاری، مالیات‌هایی بر ثروت‌های کلان وضع خواهد کرد تا «تحرك لازم را در گردش سرمایه‌ها به وجود آورد و آنها را به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا سوق دهد».

هزینه بالای مالیات بر ثروت

در زمان حاضر، این دیدگاه به کلی معکوس شده است. امروزه، همین حزب که با نام دیگری در

ائتلاف حاکم بر فرانسه حضور دارد، و همچنین دیگر احزاب اکثریت محافظه کار کنونی ترجیح می دهند که، با تغییر جهت صد و هشتاد درجه‌ای در گفتارها و استدلال‌های خود، بیشتر بر خطرهای بالقوه «فرار سرمایه‌ها» و «خارج شدن مالیات‌دهندگان ثروتمند از کشور» تأکید ورزند. به علاوه، کارشناسان اقتصادی و مالی اکثریت حاکم، در استدلال‌های جدید خود «هزینه‌های بسیار زیاد تدوین، تنظیم و اداره مالیات بر ثروت» را نیز در مقایسه با منافع متصور از آن پیش می‌کشند.

در چنین حال و هوایی بود در طی دهه ۱۹۹۰ حرکت گسترده‌ای در جهت مبارزه با مالیات بر ثروت در اروپا دامنه گرفت. اتریش، نخستین کشوری بود که در سال ۱۹۹۴، حکومت ائتلافی آن - مرکب از سوسیال - دمکرات‌ها و دمکرات - مسیحی‌ها - برخلاف انتظار همگانی و همچنین برخلاف سنت‌های دیرپای سوسیال - دمکراسی اروپایی، مالیات بر ثروت را در چارچوب «اصلاحات مالیاتی» مورد نظر دولت، به طور کلی حذف کرد.

در سال ۱۹۹۷، آلمان نیز به این حرکت رو به گسترش پیوست. توجیه این امر در آلمان به سادگی اتریش نبود. دولت وقت آلمان حذف مالیات بر ثروت را بر اساس تصمیمی عملی ساخت که در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۵ از سوی «دیوان قانون اساسی کارلسروهه» اتخاذ شده بود و اصل «تقسیم مساوی درآمد بین دولت و مالیات‌دهنده» را ملاک قرار می‌داد. به موجب این اصل، هر مالیات‌دهنده می‌بایست حداقل پنجاه درصد از درآمدهای خود را در اختیار خویش داشته باشد. دانمارک، مالیات بر ثروت را در سال ۱۹۹۷ لغو کرد. و، سرانجام، کشور هلند نیز در سال ۲۰۰۱، مالیات بر ثروت را در چارچوب اصلاح کلی نظام مالیاتی کشور، از میان برداشت، ولی در آن زمان مالیات دیگری به جای آن وضع کرد. این مالیات جدید بر پایه درآمدهای «نظری» [تئوریک] سرمایه وضع شده بود و معادل نوع مالیات بر درآمد در حد ۱/۲ درصد بود.

در آن گروه از کشورهای عضو اتحادیه اروپا که همچنان به دریافت مالیات بر ثروت ادامه می‌دهند، میزان برداشت برحسب کشورهای مختلف تفاوت می‌یابد. در اسپانیا که نرخ‌های مالیاتی را جامعه‌های محلی و تخصصی مستقل تعیین می‌کنند، نرخ مالیات بر ثروت از ۰/۲ درصد تا ۲/۵ درصد، برحسب سطوح مختلف ثروت تفاوت می‌یابد.

در کشور لوکزامبورگ، برعکس، نرخ مالیات بر ثروت ثابت است و در حدود ۰/۵ درصد باقی مانده است. در فنلاند، همین نرخ ۰/۹ درصد است، و در سوئد به ۱/۵ درصد می‌رسد، و در یونان از ۰/۳ درصد تا ۰/۸ درصد متغیر است.

در این میان تنها کشور لوکزامبورگ است که نوعی «سقف مالیاتی» را نپذیرفته است. ولی در دیگر کشورهای اروپایی چنین سقفی وجود دارد. به عنوان مثال، در فنلاند سقف مالیاتی (به معنای حداکثر مالیات بر درآمد به اضافه مالیات بر ثروت) در حد ۷۰ درصد تثبیت شده است. در سوئد و اسپانیا این سقف مالیاتی در حدود ۶۰ درصد است. در این کشور آخری، کاهش مالیاتی ناشی از این سقف‌بندی در هر حال نباید بیشتر از ۸۰ درصد مالیاتی باشد که به طور نظری به افراد تعلق می‌گیرد. □

توسعه اجتماعی و وابستگی‌های متقابل در جهان امروز

دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت فرارسیدن دهمین سالروز برگزاری همایش جهانی سران کشورها برای توسعه اجتماعی در کپنهاگ، گزارشی تهیه کرده است که در آن فعالیت‌های انجام‌یافته برای استقرار سیاستهای پیشنهادشده به منظور توسعه اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. این گزارش مشتمل است بر چهار فصل اساسی: ۱. چارچوب سیاستهای جامع برای توسعه مبتنی بر مردم که در بیانیه و برنامه عملیاتی کپنهاگ بدان اشاره شده است؛ ۲. چشم‌اندازها برای ایجاد محیط مناسب برای توسعه اجتماعی مورد نظر همایش سران؛ ۳. روندهای عمده در توسعه اجتماعی پس از همایش کپنهاگ در زمینه فقر، اشتغال، یکپارچگی اجتماعی، نابرابری جنسیتی و آموزش و بهداشت؛ ۴. راهی که از دیدگاه توصیه سیاستهای اجرایی در پیش است.

در سال ۲۰۰۴، گروهی از کارشناسان در چارچوب «مجمع جهانی توسعه اجتماعی» مسائل مربوط به نابرابری‌ها و وابستگی‌های متقابل را مورد بحث و بررسی قرار دادند که آرا و اندیشه‌های آنها در گزارش یادشده منظور شده است.

در گزارش دبیرکل تأکید ویژه‌ای بر سه موضوع بنیادین همایش سران به عمل آمده است: ۱. چالش ریشه‌کنی فقر، شامل رویارویی با علل ساختاری و چندوجهی فقر و دستیابی به توزیع عادلانه‌تر دستاوردهای تولیدی، ثروت‌ها، فرصت‌ها، درآمد و خدمات؛ ۲. تقویت و تحکیم فرصت‌های اشتغال و پیشبرد امکان دستیابی منصفانه‌تر به اشتغال؛ و ۳. یکپارچگی

اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به موازات به رسمیت شناختن، ارزشمند ساختن و حمایت از تنوع در تمام ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قومیتی آن. این سه ستون اصلی باید بر بستری از عدالت و برابری استوار باشد.

در گزارش دبیرکل، نگرانی‌های اخیر در مورد جهان‌روایی و «فضای ملی سیاستهای اجتماعی»، با ارجاع ویژه به یازدهمین نشست همایش ملل متحد در مورد «تجارت و توسعه» (اونکتاد ۱۱) در سائوپولو در ژوئن ۲۰۰۴، نیز به بحث گذاشته شده است. گزارش یادشده چند بار مسئله خصوصی‌سازی و ضرورت تضمین دسترسی همگان به خدمات اجتماعی و تأمین ظرفیت‌های قانونی سازمانهای عمومی را مطرح ساخته و نگرانی ویژه از شکست تعهدات مرتبط با آفریقا را نیز یادآور شده است.

تأکید بر ضرورت دستور کار گسترده‌تری برای سیاستهای اجتماعی نیز در بیانیه کمیسیون سوم انعکاس یافته است. در این بیانیه آمده است که در زمینه نوعی استراتژی رشد عدالت‌محور، نه فقط رشد اقتصادی بلکه دیگر وجوه اساسی توسعه نیز باید به طور جدی در تدوین سیاستهای اجتماعی منظور شود. چنانچه علل ریشه‌ای فقر و نه فقط آثار و عوارض آن مورد توجه قرار گیرد، عطف توجه به مسائل عمده‌ای همچون اشتغال، آموزش، مراقبت‌های درمانی و بهداشتی و یکپارچگی اجتماعی نیز ضرورت می‌یابد. حوزه آنتونیو اوسکامپو، معاون دبیرکل، در کمیسیون سوم این نکته را هم یادآور شد که هرچند در همایش جهانی سران برای توسعه اجتماعی، سه موضوع اساسی ریشه‌کنی فقر، ایجاد اشتغال و یکپارچگی اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت، دو موضوع آخر در اغلب بحث‌های مربوط به سیاست اجتماعی نادیده گرفته شده است.

پنجاه و نهمین مجمع عمومی، پیش‌نویس قطعنامه مربوط به وجوه اجتماعی جهان‌روایی را بدون رأی‌گیری مورد تصویب قرار داد. در این قطعنامه ضرورت چالش‌ها و فرصت‌های وسیع‌تر در ارتباط با موضوع جهان‌روایی مورد تأکید قرار گرفته است - از جمله تجدیدنظر جامع در استقرار اعلامیه هزاره و همچنین تجدیدنظر ده‌ساله در استقرار توصیه‌های همایش جهانی سران در زمینه توسعه اجتماعی به وسیله کمیسیون توسعه اجتماعی در ۲۰۰۵.

اشتغال و تأمین اجتماعی

هیئت‌مدیره سازمان بین‌المللی کار دویست و نود و یکمین نشست خود را در نوامبر ۲۰۰۴

برگزار کرد. در این نشست، چارچوب سیاست‌های استراتژیک مربوط به سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار گرفت. هدف کلی این سیاست‌ها عبارت است از تبدیل کار آبرومندانه به هدفی جهانی و تضمین مشارکت سازمان بین‌المللی کار در ایجاد سیاست‌های منسجم‌تری برای توسعه ملی از طریق پیشبرد همگرایی و همبستگی بیشتر در سیاست‌های توصیه‌گرانه بین‌المللی در زمینه‌های اجتماعی، کلان اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری. در گزارش کمیسیون جهانی مستقل دربارهٔ وجوه اجتماعی جهان‌روایی که از سوی سازمان بین‌المللی کار تدوین شده است، ضرورت «تجدید تفکر فوری» در زمینه سیاست‌ها و نهادهای درگیر با مدیریت جهان‌روایی و همکاری‌های مؤثر خارجی در نظام‌های چندوجهی مورد تأکید قاطع قرار گرفته است، بویژه برای پیگیری موفقیت‌آمیز استقرار گزارش مورد بحث. گزارش کمیته اشتغال و سیاست‌های اجتماعی ارتباط می‌یابد به استقرار استراتژی جهانی ایمنی و بهداشت کار؛ حداقل دستمزد به عنوان عامل محرک گفتگوهای اجتماعی یا سیاست‌های اقتصادی؛ استقرار دستور کار جهانی اشتغال؛ تأثیرات بازرگانی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر اشتغال مولد در کشورهای در حال توسعه و سیاست اقتصادی کلان برای رشد و اشتغال.

سازمان بین‌المللی کار یک شماره ویژه از مجله بررسی بین‌المللی کار را به برانگیختن تفکرات تازه‌ای در زمینه سیاست‌ها و نهادهای موجود مدیریت جهانی اختصاص داده است. شش مقاله این شماره مخصوص به بررسی و تحلیل تغییرات ساختاری جهان امروز و پیامدهای نظری و سیاسی آنها و همچنین به تأثیرات جهان‌روایی از منظر اشتغال غیررسمی و الگوی جاری استخدام‌ها و اخراج‌ها از دیدگاه‌های جنسیتی می‌پردازد و، در ضمن، تجلیات نابرابری اجتماعی و مفهوم توسعه فراگیر و رابطه آن با کار آبرومندانه را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد.

گزارش جهانی اشتغال ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ نیز انتشار یافته است و در آن می‌خوانیم که در سال ۲۰۰۳، در حدود ۱۸۵/۹ میلیون بیکار شمارش شده در سرتاسر جهان در واقع فقط نوک مشهود یخ‌پاره عظیمی است که بخش بزرگتر آن در زیر آب است و به چشم نمی‌آید و این خود نشان‌دهنده آن است که تا چه حد در زمینه تعمیم «کار آبرومندانه» و امانده‌ایم. در همین گزارش تأکید فراوانی بر این نکته مهم شده که ثبات اشتغال تا چه حد در بهبود بهره‌وری رشد اقتصادی مؤثر واقع می‌شود. سازمان بین‌المللی کار گزارش دیگری هم دربارهٔ سیاست‌های بازار کار در سرتاسر جهان و مسئله سازگاری با جهان‌روایی منتشر کرده است. به موجب این گزارش، رابطه آشکاری وجود

دارد بین ادراک ذهنی کارگران از اشتغالِ مطمئن و هزینه‌های دولتی برای ایجاد سیاستهای فعال در عرضه بازار کار.

پژوهشکده جهانی پژوهش‌های توسعه اقتصادی^۱، وابسته به دانشگاه ملل متحد، بررسی‌های تازه‌ای را درباره گروههای اجتماعی و فقر اقتصادی؛ شاخص‌های مرکب رفاه اجتماعی؛ و ارزش‌ها، مقررات و همکاری‌های گروه محور منتشر کرده است. همین پژوهشکده کتاب دیگری هم منتشر کرده به نام بیمه بر ضد فقر^۲ که در آن تأثیرات بیمه‌ها و حمایت‌های اجتماعی گسترده از طریق بررسی‌های موردی و تحلیل‌های موضوعی مورد ارزیابی قرار گرفته است. تجربیات و تأثیرات اصلاحات به عمل آمده در زمینه مستمری‌های بازنشستگی در امریکای لاتین از طریق بررسی‌ها و همایش‌هایی با عنوان وفای به عهد در زمینه تأمین درآمد سالمندان به ابتکار بانک جهانی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است (۲۰۰۴)^۳.

سیاستهای اجتماعی در متن توسعه اقتصادی

«پژوهشکده تحقیقات توسعه» سازمان ملل متحد دو کتاب از یک مجموعه ده بخشی از کتاب‌های مربوط به سیاستهای اجتماعی و توسعه اقتصادی را که در واقع نتایج حاصل از ۹ پروژه تحقیقاتی است منتشر کرده است (پاییز ۲۰۰۴).

نخستین کتاب این مجموعه در واقع حامل این پیام است که سیاستهای اجتماعی مشخص باید در صف مقدم هرگونه توسعه، اصلاحات یا تغییر و تبدیل ساختاری جای داشته باشد. کتاب دوم، تغییر شکل دولت‌های رفاه‌پرور و توسعه‌گرا در شرق آسیا نام دارد، و کتابهای بعدی در مورد امریکای لاتین، کشورهای اروپای شمالی، خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آفریقا است. موضوع‌های مورد بحث در این کتابها عبارت خواهد بود از تجارتی کردن مراقبت‌های درمانی، سیاستهای اجتماعی و مسئله جنسیت، توسعه شهری پیوسته در کشورهای در حال توسعه، ارتباط‌های موجود بین جنسیت و جهان‌روایی، اشتغال مبتنی بر صادرات، سیاستهای اجتماعی و سالمندی، توسعه و حمایت‌های اجتماعی.

1. The World Institute for Development Economics Research

2. Insurance against Poverty

۳. گزارشهای اساسی این همایش را می‌توان از پایگاه اینترنتی بانک جهانی به دست آورد.

بانک جهانی نیز چند بررسی تحقیقی جدید منتشر کرده دربارهٔ مباحثی مانند «بازرگانی و کاهش فقر»، «نهادهای اساسی و مناسب در شرایط جهان‌روایی عام»، «عدم تمرکز و پاسخگویی نظام آموزشی در امریکای لاتین»، «خدمات همگانی اجباری در کشورهای در حال توسعه» و «هدف‌بندی انتقال بحثهای اجتماعی به کشورهای در حال توسعه».

آموزش

در گزارش «واحد بازرسی مشترک»^۱ به پنجاه و نهمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نقش سازمانهای بین‌المللی کمک‌دهنده، بویژه سازمان ملل متحد، در یاری‌رساندن به کشورهای نیازمند برای دستیابی به هدف «توسعهٔ هزاره» در زمینهٔ تحت تعلیم قرار دادن تمام پسران و دختران لازم‌التعلیم تا سال ۲۰۱۵ (ده سال دیگر)، مورد تأکید قرار گرفته است. همگان به این نتیجه رسیده‌اند که با تلاش‌های جاری امکان تحقق آموزش ابتدایی رایگان برای تمام جمعیت گروه سنی مربوط در سرتاسر جهان وجود نخواهد داشت. در گزارش «واحد بازرسی مشترک» آمده است که برای تحقق این امر کمکهای خارجی به کشورهای نیازمند باید به میزان زیادی افزایش یابد و، از سوی دیگر، کارایی نظامهای آموزشی کشورهای مورد نظر نیز باید به طور جدی بهبود پیدا کند. گزارش مورد بحث با یک رشته توصیه‌های اساسی پایان می‌یابد، از جمله توسعهٔ کمکها و ابتکارهای بانک جهانی برای برآوردن نیازهای آموزشی توسعه‌نیافته‌ترین کشورها و افزایش دانش‌های پایه در زمینهٔ آموزش در کشورهای مورد نظر. در الحاقیهٔ دیرکل به گزارش مورد بحث عنوان شده است که هرچند اعضای «هیئت عالی اجرایی» با چارچوب کلی تحلیل‌های این گزارش موافقت دارند، توصیه‌های ارائه‌شده در آن به اندازهٔ کافی روشن نبوده است. «صندوق سازمان ملل برای کودکان» (یونیسف) نیز به نوبهٔ خود گزارشی دربارهٔ اقدامات به عمل آمده از سوی این نهاد در زمینهٔ گزارش مورد بحث ارائه داده است.

نکتهٔ دیگر این است که حرکت‌های گوناگونی که تاکنون برای تضمین حق آموزش ابتدایی برای تمام کودکان جهان به عمل آمده، به طور کلی موضوع «کیفیت» را نادیده گرفته و در وهلهٔ نخست به «کمیت»ها پرداخته‌اند. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در آخرین

1. Joint Inspection Unit (JIU)

شماره نشریه رسمی خود، آموزش برای همه، ضرورت توجه به کیفیت را مورد بحث قرار داده و استراتژی‌ها و سیاستهای مشخصی را برای بهبود فرایند یادگیری و تدریس، بویژه برای کشورهای کم‌درآمد، ارائه داده است. واقعیت این است که در بسیاری از کشورها، با آنکه بیشتر کودکان به مدرسه راه می‌یابند، عده زیادی از آنها پیش از رسیدن به کلاس پنجم ابتدایی دچار افت تحصیلی می‌شوند و از ادامه کار باز می‌مانند.^۱

عوامل تعیین‌کننده بهداشت و درمان

مدیرکل سازمان بهداشت جهانی در خطابه خود در برابر مجمع عمومی بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۴، اعلام کرد که در تدارک برپایی همایشی در مورد «عوامل تعیین‌کننده بهداشت و درمان» است. برحسب یکی از اسناد شورای اجرایی سازمان بهداشت جهانی برای همایش ژانویه ۲۰۰۶ (۱۳۸۴)، هدف عمده همایش عبارت خواهد بود از تغییر سیاست سازمان از طریق تبدیل اطلاعات موجود درباره بهداشت عمومی به سیاستهای ملی و جهانی مشخص که بتوان آنها را به مرحله اجرا گذاشت. همایشی با ۱۲ تا ۱۸ عضو؛ متمرکز بر ۱۰ شبکه موضوعی با مشارکت کارشناسان و دانشوران سرشناس؛ و یک دبیرخانه کوچک.

این همایش در ماه مارس ۲۰۰۵ شروع می‌شود و تا ماه مه ۲۰۰۸ ادامه می‌یابد. این همایش در میانه راه، گزارش مقدماتی خود را شامل فهرست تفصیلی عملیات و سیاستهای توصیه شده برای بهبود بهداشت عمومی و کاهش نابرابری‌ها از طریق تأثیرگذاری بر عوامل اجتماعی تعیین‌کننده نارسایی‌ها و نابرابری‌ها، منتشر کرده و بقیه دوره فعالیت آن صرف توجیه و تسهیل عملیات اجرایی مربوط به توصیه‌های مورد بحث خواهد شد.

بیمه‌های درمانی

هیئت اجرایی سازمان جهانی بهداشت که از ۱۷ تا ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ در ژنو تشکیل جلسه داده بود، به بررسی یک گزارش و پیش‌نویس قطعنامه‌ای در مورد بیمه‌های درمانی پرداخت که بر پوشش همگانی خدمات بهداشتی و درمانی بر اساس نیازها و حمایت‌های مالی پیشگیرانه تأکید

۱. این گزارش مهم را می‌توان از پایگاه اینترنتی بونسکو به دست آورد.

می‌کرد. در قطعنامه یادشده به کشورهای عضو تفهیم می‌شد که باید حداکثر کوشش را به عمل بیاورند تا کمک‌های مالی خارجی برای برنامه‌های بهداشتی - درمانی چنان سازماندهی شوند که به ایجاد نهادها و راهکارهای قابل دوام بینجامند و از مزایای همکاری بین عرضه‌کنندگان عمومی و خصوصی خدمات درمانی بهره‌مند شوند.

مسئله الکل

در گزارش دبیرخانه سازمان جهانی بهداشت در مورد مسائل ناشی از مصرف الکل در زمینه بهداشت عمومی آمده است که در سالهای اخیر دستیابی به نوشابه‌های الکلی در اثر تضعیف ممنوعیت‌های تولید و دادوستد و تغییر الگوهای مصرف، افزایش یافته است. در این گزارش، ده پیشنهاد جالب برای تدارک استراتژی‌های مناسب به منظور کاهش مسائل ناشی از مصرف الکل توضیح داده شده است. این تدابیر شامل راهکارهایی است مانند کاهش فروش نوشابه‌های الکلی از طریق ایجاد محدودیت‌های سنی، کاهش ساعات فروش و افزایش عوارض نوشابه‌های الکلی و همچنین وضع مقررات سختگیرانه‌تری برای رانندگی پس از مصرف الکل و مداخله‌های سریع‌تر در جریان حوادث ناشی از مصرف الکل.

یکی از نکات تجربی در زمینه مصرف الکل این است که استراتژی‌های مبتنی بر آموزش و پند و اندرز برای جلوگیری از مصرف الکل تاکنون بی‌فایده بوده است، ولی تردیدی نیست که سازمان و مسئول امور بهداشتی و درمانی نقش مهمی در کاهش ضایعات ناشی از مصرف الکل برعهده خواهد داشت. سازمان جهانی بهداشت به نوبه خود همچنان بر ارائه استراتژی‌ها و سیاستهای مؤثرتر از طریق فعالیت‌هایی مانند گردآوری شواهد و مدارک قانع‌کننده درباره زیانها و آسیبهای ناشی از مصرف الکل و تهیه و اجرای برنامه‌های پژوهشی در زمینه الکل ادامه خواهد داد.

سازمان جهانی بهداشت پیشنهادی پیش‌نویس طرح ویژه‌ای برای مصونیت‌سازی را هم مورد بررسی قرار داده است که بر استفاده از واکسن‌های جدید و پیوندزدن مایه کوبی به دیگر تدابیر درمانی تأکید می‌ورزد. در این پیش‌نویس آمده است که تاکنون پیوند بین تأمین مالی برنامه‌های مصونیت‌سازی و تأمین مالی دیگر برنامه‌های بهداشتی بسیار ضعیف بوده است. به همین مناسبت در برنامه‌های پیشنهادی آمده است که، علاوه بر پوشش وسیع‌تر و آماده‌سازی

واکسن‌های اساسی، ادغام برنامه‌های مصونیت‌سازی در نظام مراقبت‌های درمانی اولیه نیز باید در ردیف اولویت‌های اساسی قرار گیرد.

مجمع جهانی برای پژوهش‌های بهداشتی

موضوع اصلی «مجمع جهانی برای پژوهش‌های بهداشتی» که از ۱۶ تا ۲۰ نوامبر ۲۰۰۴ در مکزیکوسیتی برگزار شد، شناسایی ابعاد شکافی بود که بین تحقیقات بهداشتی و هدفهای انتخاب‌شده برای توسعه مورد نظر تا سال ۲۰۱۵ وجود دارد. در بیانیه مجمع یادشده، توسعه بیشتر و دقیق‌تر نظامهای پژوهشی مرتبط با بهداشت ملی مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله این نوع تحقیقات می‌توان به چگونگی ابلاغ بهتر و مؤثرتر نتیجه تحقیقات به سیاستگذاران اشاره کرد. در ضمن، از حکومت‌های ملی و مجامع بین‌المللی خواسته شده است که حداکثر کمکهای مالی و دیگر پشتیبانی‌های لازم را برای پیشبرد تحقیقات بهداشتی کاربردی به عمل بیاورند. از دبیرخانه سازمان جهانی بهداشت هم خواسته شده است که گزارش‌های دوره‌ای و منظمی از چگونگی پیشرفت این اهداف تهیه کند و برای اطلاع کشورهای عضو و سازمانهای بین‌المللی مربوط ارسال دارد.

در بیانیه مجمع نامبرده آمده است که تحقیقات درباره عملکرد سیاستها و نظامهای بهداشتی - درمانی و علوم انسانی و همچنین تحقیقات رفتاری و عملیاتی از اهمیتی حیاتی برخوردار است. آماج‌بندی‌های محدود بر اساس بعضی عملیات درمانی و پیشگیرانه خاص بدون شک نتایج بهداشتی - درمانی لازم را به بار نخواهد آورد. به پیشنهاد مجمع جهانی برای پژوهش‌های بهداشتی، کاملاً منطقی خواهد بود که دولت‌ها ۲ درصد از بودجه بهداشت ملی را به تحقیقات بهداشتی تخصیص دهند و سازمانهای بین‌المللی کمک‌دهنده نیز دست‌کم ۵ درصد از اعتبارات خود را در زمینه بهداشت و درمان به تحقیقات بهداشتی و استحکام ظرفیت‌های پژوهشی اختصاص دهند.

بیماریهای عفونی

بر اساس آمار انتشار یافته از سوی سازمان جهانی بهداشت در دسامبر ۲۰۰۴، بیشترین شدت گسترش بیماری و اگیردار ایدز هنوز هم در آسیای جنوب شرقی، اروپای شرقی و آسیای مرکزی

مشاهده می‌شود. در مناطق زیر صحرای افریقا، شدت گسترش این بیماری در حد ۷ درصد در سال متوقف مانده است و آلودگی‌های ناشی از دیگر بیماری‌های عفونی و آگیردار نیز در حد همین نسبت ادامه دارد. بیماری ایدز بیش از همه زنان و دختران را آلوده می‌کند و این وضع در مناطق زیر صحرای افریقا وخیم‌تر است، در آن سرزمین‌ها بیش از ۵۷ درصد از آلوده‌شدگان و نیز ۷۶ درصد از افراد جوانی که با ویروس ایدز زندگی می‌کنند زن هستند. از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۰ - ۱۳۸۳) سرمایه‌گذاری‌هایی که در سطح جهانی برای مبارزه با این بیماری تخصیص داده شده از ۲۱/۱ میلیارد دلار به ۶۰/۱ میلیارد دلار افزایش یافته است. دستیابی به امکانات پیشگیری و خدمات مراقبتی نیز به میزان قابل توجهی بهبود یافته است، ولی در عمل متأسفانه فقط جزء ناچیزی از افراد نیازمند به اطلاعات، پیشگیری و مراقبت به این امکانات دسترسی داشته‌اند.

صندوق بین‌المللی پول کتابی منتشر کرده است به نام اقتصاد کلان ایدز^۱ که شامل مقالاتی است در مورد تأثیرات جمعیتی، پیامدهای کلان اقتصادی و تأثیرات منابع مالی دولتی و خدمات عمومی. در این کتاب، رابطه بین تأثیرات اقتصادی خُرد بیماری ایدز و تأثیرات اقتصادی این بیماری در سطح اقتصاد کلان، و همچنین تأثیرات بیماری ایدز بر رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بانک جهانی نیز نوعی راهنمای عملیاتی در مورد ادغام مسائل جنسیتی در برنامه‌های مبارزه با ایدز منتشر کرده است.

هیئت اجرایی صندوق جهانی مبارزه با بیماری‌های ایدز، سل و مالاریا در نوامبر گذشته همایش‌هایی در تانزانیا برگزار کرد و اعلام داشت که هیئت پذیرفته است که پنجمین دور از پیشنهادهای خود را اعلام کند. در گذشته، فاصله زمانی بین دورها هشت ماه بود، ولی فاصله بین دوره‌های چهارم و پنجم به پانزده ماه خواهد رسید. این تصمیم‌گیری حاصل جر و بحث‌های زیادی بود که در همایش یادشده صورت گرفت، زیرا بعضی از اعضای هیئت احساس می‌کردند که بسیاری از منابع مالی وعده داده‌شده به موقع تأمین نمی‌شود، دبیرخانه صندوق فاقد توانهای عملیاتی لازم است، و صندوق به طور کلی منابع مالی کافی در اختیار ندارد. به همین دلیل، منابع مالی لازم برای عملیات پیش‌بینی‌شده در دور پنجم، ممکن است بسیار ناچیز باشد، زیرا

1. *The Macroeconomics of HIV/AIDS*

وابسته به مشارکت‌های مالی کمک‌دهندگان آینده است؛ کمک‌هایی که بخش اعظم آنها پیشاپیش به برنامه‌هایی اختصاص یافته که برای دوره‌های قبلی در نظر گرفته شده بود.

برابری جنسیتی

«صندوق توسعه ملل متحد برای زنان»^۱، با مشارکت وزارت توسعه و همکاری اقتصادی آلمان فدرال، کتابچه‌ای منتشر کرده با عنوان «گذرگاهی به سوی برابری جنسیتی»^۲ که در آن راهنمایی‌هایی در زمینه استراتژی‌های عملیاتی برابری جنسیتی، آماج‌ها و شاخص‌های لازم برای برنامه‌ریزی توسعه و گزارش دستاوردهای مرتبط با اهداف توسعه هزاره در سطح ملی درج شده است. در این جزوه آمده است که به رغم رسمیت یافتن اهداف توسعه هزاره در تمام کشورهای در حال رشد، فعالیت‌های واقعی برای به اجرا درآوردن آنها باید در هر موردی به رجوع‌های مجدد به مجموعه اهدافی که در اعلامیه هزاره قید شده است موقوف شود؛ اهدافی که ریشه آنها را باید در همایش‌ها و اسناد پیشین سازمان ملل جستجو کرد، مثلاً در «مقاله‌نامه بین‌المللی ناظر بر حذف و طرد هر نوع تبعیض بر ضد زنان» (۱۹۷۹). که در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید، یا «چهارمین همایش مربوط به زنان در پکن» (۱۹۹۴)، حال آنکه گزارش‌های مربوط به این‌گونه اسناد و مدارک را می‌توان به آسانی از پایگاه اینترنتی «صندوق توسعه ملل متحد برای زنان» تهیه کرد.

در هر حال، در گزارش سالانه «صندوق توسعه ملل متحد برای زنان»، برای دوره زمانی ۲۰۰۳/۲۰۰۴ (۱۳۸۲/۱۳۸۳) چهار حوزه کانونی استراتژیک برای عملیات چهار سال آینده تعیین شده است:

۱. کاهش فقر زنان و دختران؛
۲. پایان دادن به خشونت بر ضد زنان؛
۳. معکوس ساختن روند گسترش ایدز در میان زنان و دختران؛ و
۴. رعایت برابری جنسیتی از طریق مدیریت عادلانه در زمان صلح و در زمان جنگ.

1. United Nation Development Fund for Women (UNDFW)

2. Pathway to Gender Equality

مسائل جمعیتی

در گزارش ۲۰۰۴ «صندوق ملل متحد برای مسائل جمعیتی» زیر عنوان «جمعیت، بهداشت تولیدمثل و تلاش جهانی برای پایان دادن به فقر» آمده است که پس از «همایش بین‌المللی جمعیت و توسعه» (قاهره، ۱۹۹۴)، سیاستگذاری‌های گوناگونی در کشورهای مختلف صورت گرفته است؛ به عنوان مثال، در زمینه ادغام مسائل جمعیتی در استراتژی‌های توسعه، ادغام خدمات مربوط به تولیدمثل در مراقبت‌های بهداشتی اولیه و تصویب استراتژی‌های ملی در زمینه ایدز. با این وصف، در زمینه‌های عملی و اجرایی، تصویرهای موجود چندان امیدبخش به نظر نمی‌رسد: کمک‌های خارجی در حد یک سوم هزینه‌های تقریبی استقرار برنامه‌های مورد نظر بوده است و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و ملی کمک‌دهنده نیز به تعهدات خود عمل نکرده‌اند. بنابراین، باید باز هم تلاش کرد تا سیاستها و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای تنظیم جمعیت جهانی با قاطعیت بیشتری به مرحله اجرا درآیند.

حقوق انسانی کودکان و نوجوانان

در پنجاه و نهمین مجمع عمومی ملل متحد چند قطعنامه در مورد حقوق انسانی به تصویب رسید، از جمله قطعنامه‌ای در مورد جهان‌روایی و تأثیرات آن بر بهره‌گیری کامل از حقوق انسانی، حق توسعه، حقوق انسانی و فقر شدید و حق تغذیه مناسب.^۱

«وضع کودکان دنیا در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)» با عنوان فرعی «کودکان در معرض تهدید»، گزارشی است از سوی یونسف بر محور این موضوع که چگونه فقر، زد و خوردها و بیماری‌هایی چون ایدز آرمان زیبای کودکی را بر باد می‌دهند.

بر اساس این گزارش، بیش از نیمی از کودکان دنیای ما از فقر و محرومیت شدید، جنگ و ستیزهای دائمی و بیماری ایدز رنج می‌برند. زندگی دائمی در فقر و درماندگی، کودکان را از حق بقا، تندرستی، تغذیه، آموزش، مشارکت و همچنین حمایت در برابر آسیبها، بهره‌کشی و تبعیض محروم می‌دارد. در همین گزارش اشاره شده است که فقر منحصر به کشورهای توسعه‌نیافته نیست: در ۱۱ کشور از ۱۵ کشور صنعتی و پیشرفته که آمادگی‌های تطبیقی در مورد آنها وجود

۱. به ترتیب، قطعنامه‌های A/RES/59/184، A/RES/59/185 و A/RES/59/202.

دارد، نسبت کودکانی که در خانوارهای بی‌نهایت فقیر زندگی می‌کنند، در طول دهه گذشته افزایش یافته است. تأثیرات کشمکش‌های مسلحانه بر کودکان بی‌نهایت فاجعه‌آمیز است: به تقریب، نیمی از کشته‌شدگان در جنگ و ستیزهای ۱۹۹۵ به این طرف را کودکان تشکیل داده‌اند و هم‌اکنون نیز صدها هزار کودک به عنوان سرباز به کار گرفته می‌شوند، یا قربانی مین‌های زمینی می‌شوند، یا مورد خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند، یا به اجبار شاهد کشتارها و خشونت‌های فجیع می‌شوند و اغلب به سبب همین کشتارها یتیم و بی‌سرپرست می‌شوند. در پایان سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) به تقریب ۱۵ میلیون کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال در اثر بیماری و آلودگی‌ها، یتیم و بی‌خانمان بوده‌اند. چهار پنجم از این کودکان در مناطق زیر صحرای آفریقا به سر می‌برند. گزارش یادشده در واقع فراخوان دلخراشی است برای اجرای سیاست‌های اجتماعی مسئولانه از طریق کاربست دلسوزانه نگرش‌های مبتنی بر حقوق انسانی در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، و همچنین سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و مناسب‌تر برای تأمین بقای کودکانی که از همه حقوق انسانی محروم‌اند.

«دفتر مجمع جهانی» و «دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد» نشریه‌ای را توزیع کرده‌اند به نام گنجاندن حقوق انسانی در امور کسب و کار. این نشریه مبتنی است بر گفتارهایی که در «مجمع سالانه آموزش و یادگیری مجمع جهانی» (برزیل، ۲۰۰۳) ایراد شده است. در این نشریه، هم‌گفتارهایی نظریه‌پردازانه درباره اصول اساسی حقوق انسانی وجود دارد و هم تحلیل‌هایی در مورد استقرار و به‌کارگیری این اصول در شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی صنعتی و غیرصنعتی و، جالب توجه است که بیشتر این تحلیل‌ها را خود شرکتها و بنگاه‌های یادشده نگاشته‌اند.

مدیریت جهانی

گزارش شورای عالی دبیرکل ملل متحد در مورد تهدیدها، چالش‌ها و دگرگونی‌ها^۱ بر شش دسته از تهدیدهایی تأکید می‌کند که باید مورد توجه دنیا قرار گیرد: ۱. جنگ بین‌کشورها؛ ۲. خشونت در داخل کشورها؛ ۳. فقر، بیماری‌های عفونی و تخریب محیط زیست طبیعی؛ ۴. سلاح‌های

۱. سازمان ملل متحد (۱۳۸۳)، «دنیای امن‌تر: سهم ما از مسئولیت‌ها».

هسته‌ای، پرتوزا، شیمیایی و میکربی؛ ۵. تروریسم؛ و ۶. جنایت‌های فراملیتی سازمان‌یافته. هنگام ارائه این گزارش به مجمع عمومی، دبیرکل سازمان ملل بر توصیه‌های مندرج در آن تأکید کرد و از کشورهای عضو درخواست کرد اقدامات لازم را در مورد یافته‌های گزارش به عمل بیاورند. در گزارش توضیح داده شده است که توسعه و امنیت از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. وی بر ضرورت تحرک بیشتر مجمع عمومی و «شورای اقتصادی و اجتماعی» سازمان ملل متحد و تجدید اعتبار و اهمیت کمیسیون حقوق بشر تأکید ورزید. او همچنین از ورود اعضای جدید به «شورای امنیت» و ایجاد «کمیسیون صلح‌ساز» پشتیبانی کرد. دبیرکل سازمان ملل، ایجاد یک معاونت مسئول صلح و امنیت در جوار مدیرکل را ضرورتی فوری دانست.

گزارش شورای عالی دبیرکل حاوی توصیه‌هایی است در مورد فرایندهای میانجی‌گری، حفظ و تحکیم صلح، کنترل تسلیحات، تحریم‌ها و حمایت از مردم غیرنظامی، به اضافه توصیه‌هایی در مورد تروریسم و جنایت‌های فراملی سازمان‌یافته. در همین گزارش توصیه‌های دیگری نیز خطاب به کشورهای عضو وجود دارد مبنی بر بالا بردن سطح کمک‌هایی که برای توسعه در نظر می‌گیرند، و نیز توصیه‌هایی به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی کمک‌دهنده، برای بخشودگی بیشتر وامهایی که به کشورهای فقیر اعطا کرده‌اند، و فراهم ساختن تسهیلات بیشتر برای وارد شدن این‌گونه کشورها به بازارهای جهانی.

گزارش شورای عالی دبیرکل ملل متحد پیشنهادی مطرح کرده است که به موجب آن شورای امنیت، ضمن همکاری نزدیک با واحد مسئول ایدز در سازمان ملل متحد، باید نشست ویژه دیگری در مورد بیماری ایدز، به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی، تشکیل دهد و تأثیرات آینده این بیماری هولناک بر کشورها و جوامع را از طریق تحقیقات وسیع‌تر درباره مسئله پیش‌بینی کند و مراحل مهم و حیاتی استراتژی مشخصی برای کاهش این خطر جهانی را به آگاهی همگان برساند.

پیشنهاد‌های دیگر گزارش یادشده را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- توجه بیشتر به ایمنی در برابر بیماری‌های میکربی و افت جهانی نظام‌های بهداشتی و درمانی و درک بهتر ضرورت ابتکارهای عمده برای تجدید ساختار نظام‌های بهداشتی - درمانی محلی و ملی. علاوه بر همه اینها، گزارش مورد بحث توجه همگان را به بهبود و تقویت توانایی جهانی برای نظارت بر بیماری‌های عفونی نوظهور و نیز تروریسم میکربی به عنوان

واکنشی در برابر این خطرهای احتمالی جلب می‌کند. از سوی دیگر، شبکه هشداردهنده «سازمان جهانی بهداشت» نیز باید با منابع بیشتر تقویت شود تا در مواردی حاد بتواند با همکاری کشورهای عضو در برابر بیماریهای عفونی جدید و دیگر تهدیدهای سراسری، واکنش‌های سریع و مؤثر را از خود نشان دهد.

بر اساس گزارش ویژه^۱ دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد استقرار برنامه‌ها و اهداف مندرج در اعلامیه هزاره ملل متحد، از ماه اوت ۲۰۰۴ تا امروز، بیشتر کشورهای آسیا و شمال آفریقا تا حد قابل ملاحظه‌ای در مسیر اهداف اعلامیه در زمینه کاهش فقر و توسعه اجتماعی به حرکت درآمده‌اند. کشورهای آسیای غربی و امریکای لاتین و منطقه کارائیب نیز پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند، ولی کشورهای کمتر توسعه‌یافته، بویژه در جنوب صحرای آفریقا، حرکت قابل توجهی در این عرصه از خود نشان نداده‌اند. در مجموع، اهداف منظور شده در اعلامیه هزاره ملل متحد به تقویت و ایجاد استراتژی‌ها جدیدی برای توسعه انجامیده‌اند که ویژگی‌های عمده آنها عبارت بوده است از مشارکت‌ها و همکاری‌های وسیع‌تر و مستحکم‌تر، و همچنین پدید آمدن راهکارهایی برای نظارت بهتر و دقیق‌تر بر پیشرفت‌های به عمل آمده. از این نظر، می‌توان گفت که اعلامیه هزاره ملل متحد تحرک تازه‌ای در زمینه پیگیری نتایج حاصل از همایش‌های اصلی سران کشورها به وجود آورده و، در ضمن، انسجام و هماهنگی بهتری نیز در سطح کشورها برقرار ساخته است.

در نوامبر ۲۰۰۴، مجمع عمومی ملل متحد تصمیم گرفت که در یک همایش جهانی در سطح وزیران در سپتامبر ۲۰۰۵، استقرار مفاد و توصیه‌های مندرج در اعلامیه هزاره را در سطح کشورهای عضو مورد ارزیابی قرار دهد.

جهان‌روایی

در جریان پنجاه و نهمین مجمع عمومی ملل متحد، گزارش کمیته دوم در مورد «جهان‌روایی و وابستگی متقابل» در شش بخش عرضه شد. این گزارش دربرگیرنده پیش‌نویس قطعنامه‌ای است درباره نقش سازمان ملل متحد در پیشبرد توسعه در متن جهان‌روایی و وابستگی متقابل. این

1. A/59/282

قطعنامه که بدون رأی‌گیری در کمیته به تصویب رسیده است، بر این نکته تأکید می‌ورزد که همبستگی بهتر بین تلاش‌های ملی و بین‌المللی و بین نهادهای پولی، مالی و تجاری بین‌المللی برای مدیریت سالم اقتصاد جهانی اهمیتی بنیادین دارد.

بنجاه و نهمین مجمع عمومی همچنین چند قطعنامه دیگر را در زمینه مسائل جهان‌روایی، بازرگانی، توسعه و منابع مالی جهانی به تصویب رساند، از جمله: پیگیری و استقرار نتایج حاصل از همایش بین‌المللی در مورد تأمین منابع مالی توسعه؛ بحران وام‌های خارجی و توسعه؛ نظام مالی بین‌المللی و توسعه؛ و بازرگانی بین‌المللی و توسعه.

صندوق بین‌المللی پول نتایج حاصل از بعضی پژوهش‌های جدید را منتشر کرده که در پایگاه اینترنتی صندوق می‌توان به آنها دست یافت. موضوع این پژوهش‌ها عبارت است از هزینه‌های اجتماعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و تأثیرات آنها بر استقرار برنامه‌های مندرج در هزاره ملل متحد؛ توزیع انحرافی آموزش همگانی و علل و نتایج آن.

دادوستدهای بازرگانی

«مجمع ملل متحد برای بازرگانی و توسعه» (اونکتاد) مقاله‌ای زمینه‌ساز در مورد نقش بازرگانی و توسعه در خدمات حرفه‌ای و چارچوب‌های مقرراتی انتشار داده است که در سال ۲۰۰۵ در کنفرانسی مرکب از کارشناسان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این مقاله استدلال شده است که نوعی فضای پشتیبانی بین‌المللی که بتواند امکانات بالقوه موجود در کشورهای توسعه‌یافته را در بسیاری از خدمات حرفه‌ای به مرحله عمل درآورد، بدون تردید تأثیر عمیقی بر پیشبرد و موفقیت اهداف توسعه در آن کشورها بر جای خواهد گذاشت.

اونکتاد مقاله دیگری در مورد ارزیابی خطرهای احتمالی تأمین خدمات اساسی به وسیله بخش خصوصی، و همچنین نوشته بحث‌انگیزی در زمینه جهان‌روایی، لیبرالیسم نو و نیروی کار انتشار داده است که بدون تردید مطالعه آن برای سیاست‌گذاران و مسئولان اجرایی همه کشورها بسیار مفید خواهد بود و، به هر حال اطلاعات سودمندی برای ارزیابی بهتر نقش دادوستدهای جهانی در توسعه اقتصادی در اختیار آنها قرار خواهد داد. □

عقیم‌سازی و سقط جنین اجباری در چین

سیاست «تک‌فرزند»: شکست یا موفقیت؟

بین ماه مارس و ژوئیه ۲۰۰۵ (فروردین تا مردادماه ۱۳۸۴) در یکی از بخش‌های دورافتاده استان شاندونگ در شرق چین، در حدود ۷,۰۰۰ زن چینی به اجبار از سوی مأموران «سازمان ملی تنظیم خانواده» عقیم شده‌اند و بسیاری دیگر از زنان، پس از تزریق مواد ویژه‌ای نوزدان مُرده به دنیا آورده‌اند. یکی از این زنان قربانی شرح داده است که پرستاران بیمارستان جسد کودک او را، بی‌درنگ پس از زایمان، در یک حوضچه پر از آب فروبرده‌اند تا کاملاً مطمئن شوند که نوزاد او مرده است.

چرا؟ فقط به این دلیل که مسئولان تنظیم خانواده این منطقه (لی‌نی‌یی) مورد توبیخ قرار گرفته بودند که چرا نتوانسته‌اند از شمار زیاد از حد تولدها بکاهند و، بنابراین، در اجرای سیاست مشهور به «فرزند واحد» قصور ورزیده‌اند. به همین دلیل مسئولان منطقه می‌بایست بدون فوت وقت دست به اقداماتی مؤثر بزنند تا تعادل جمعیتی مطلوب هرچه زودتر برقرار شود...

این خبر که ابتدا در مجله تایم (شماره ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵) منتشر شده بود با سرعت حیرت‌انگیزی از سوی مقامات «کمیسیون ملی جمعیت و تنظیم خانواده»^۱ مورد تأیید قرار گرفت. البته، مطبوعات رسمی چین اشاره‌ای به این فاجعه غیرانسانی نکرده‌اند، ولی خبرگزاری رسمی «چین جدید» در سرویس خبری خود به زبان انگلیسی اطلاعیه‌هایی در این مورد برای خارجیان منتشر کرده است.

بر اساس گفته‌های یوشوجون سخنگوی «کمیسیون ملی جمعیت و تنظیم خانواده»، بازرسی‌های به عمل آمده در ایالت شاندونگ آشکار کرده است که «اخبار مربوط به بعضی موارد سقط جنین و عقیم‌سازی اجباری حقیقت دارد».

سخنگوی یادشده اضافه کرده است که، «تعدادی از مأمورانی که مرتکب این اعمال شده‌اند از

1. National Population and Family Palnning Commission

سیمت‌های خود برکنار و بعضی آنها تحت بازجویی قرار دارند و برخی دیگر نیز به زندان افتاده‌اند.» در همین حال، سخنگوی کمیسیون تنظیم خانواده قول داده است که نشست‌های ویژه‌ای به منظور تفهیم «مسائل حقوقی» برای کارکنان شاخه‌های محلی تنظیم خانواده ترتیب داده خواهد شد تا از تکرار چنین رویدادهایی جلوگیری شود.

مالیات بچه‌دار شدن

مجله‌تایم، به نقل از وکیل‌های دعاوی چینی توصیف می‌کند که روستاییان دهستان یادشده تا سرحد مرگ مورد ضرب و شتم مأموران قرار گرفته‌اند، چون سعی می‌کردند اعضای خانواده خود را مورد حمایت قرار دهند. زنان و دختران این روستاییان، پس از هجوم مأموران تا آنجا که می‌توانستند برای فرار از عقیم شدن یا سقط جنین اجباری، در گوشه و کنار پنهان می‌شدند. خشونت‌های بی‌حد و حصر مقامات رسمی در محل، برای پایین آوردن میزان زایش‌ها یادآور سیاه‌ترین دوران اجرای سیاست «فرزند واحد» در بیست و پنج سال پیش است. با این وصف، در زمینه کاهش مولید، روستاییان مزایای بیشتری نسبت به شهرنشینان دارند: در روستاها، چنانچه فرزند اول دختر باشد، خانواده حق دارد فرزند دیگری هم داشته باشد ... (اقلیت‌های قومی از «مزایای» بیشتری نیز برخوردارند).

در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) مجلس ملی توده‌ای چین قانونی را به تصویب رساند که کنترل دولت بر خانواده را تا حدی ملایم‌تر می‌کرد، و این در واقع به موازات حرکت تازه‌ای بود که برای گسترش تدریجی آزادی‌های فردی در چین شروع شده است. به موجب قانون جدید، زوج‌های چینی می‌توانند چند فرزند داشته باشند مشروط بر آنکه مالیات مخصوص پیردازند؛ مالیاتی که آن را به طور مؤدبانه «جبران عوارض اجتماعی» می‌نامند. بدین ترتیب، به دنیا آوردن یک فرزند جدید در حدود ۶۰۰ یورو خرج بر می‌دارد. روستاییان از نظر مالی قادر به پرداخت چنین مبلغی نیستند، زیرا این رقم برحسب مناطق مختلف معادل دو، سه یا حتی چهار برابر درآمد ماهیانه آنهاست.

در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱)، یکی از مشاوران چینی «کمیسیون ملی تنظیم خانواده» توضیح می‌داد که، «سیاست فرزند واحد، با آنکه در ظرف بیست سال توانسته است از ۳۰۰ میلیون تولد جدید جلوگیری کند، بسیاری از مردم را بر ضد دولت برانگیخته است. از این نظر نمی‌توان گفت که این سیاست واقعاً موفقیت‌آمیز بوده است.»

تا چندی پیش، بعضی بر این عقیده بودند که روشهای خشونت‌آمیز و اعمال فشارهای گوناگون از سوی مأموران تنظیم خانواده در چین برای حفظ سهمیه‌های رسمی تولیدمثل در مناطق مختلف کشور به پایان عمر خود رسیده‌اند و، در عمل، دیگر از این‌گونه سختگیری‌ها خبری نیست. ولی، رخداد شاندونگ نشان می‌دهد که واقعیت چیز دیگری است. □

«حزب سالمندان»، نیرومندترین قدرت اجتماعی - سیاسی

در ژاپن دهه آینده

حزب تازه تأسیس «سالمندان» در ژاپن با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. مؤسس «حزب سالمندان»، دکتر هوریوشی معتقد است که چون هموطنان او خیلی کم تولیدمثل می‌کنند و به همین دلیل ژاپن در حال حاضر رکورد جهانی طول عمر را در اختیار دارد، جنبش سالمندان ژاپنی سرعت گسترش می‌یابد.

آقای شیگرو هوریوشی، روان‌پزشک و نویسنده است و، در عین حال رهبری حزب سالخورده‌گان را هم برعهده دارد. چندی پیش دولت ژاپن تحت تأثیر این جنبش بی‌سابقه، روز ۱۵ سپتامبر را «روز احترام به سالخورده‌گان» اعلام کرد، ولی رهبر حزب سالخورده‌گان اعلام کرد که این عمل دولت را نه فقط نمی‌پسندد، بلکه آن را نوعی «رفع تکلیف» می‌داند. چرا؟ از زبان خود او بخوانید: «در زمانهای گذشته، پیران قوم در تمام مدت سال مورد احترام همگان بودند، ولی حالا می‌خواهند فقط یک روز در سال ما را مورد احترام قرار دهند! من به همه سالمندان توصیه می‌کنم که در انتخابات مشارکت جویند. یادمان باشد که اگر پای صندوق‌های رأی نرویم، از هیچ‌کس و هیچ مقامی نباید انتظار احترام داشته باشیم!»

«هیچ و هیچ»، برای مبارزه با جنگ عراق

رهبر حزب سالمندان، در سال ۱۹۲۹ میلادی (۱۳۰۸) در توکیو به دنیا آمده است. وی در سال ۱۹۵۴، تحصیلات عالی خود را در رشته روان‌پزشکی در پاریس به پایان رساند. در سال ۱۹۶۵،

پیشگام درمان الکلی‌ها در ژاپن شد. و، سرانجام، در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) حزب «روجین» (حزب سالمندان) را در ژاپن پایه‌گذاری کرد.

ناگفته نماند که حزب سالمندان موجودیتی مجازی دارد، بدین معنا که تمام فعالیت‌های آن از طریق شبکه‌های اینترنتی صورت می‌گیرد. ولی تشکیلات این حزب اینترنتی به چنان شهرت و نفوذی دست یافته است که اعضای آن به طور مکرر در برنامه‌های تلویزیونی و همایش‌های عمومی دعوت می‌شوند و مورد توجه قرار می‌گیرند. در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)، که سال انتخاباتی محسوب می‌شد، پایگاه اینترنتی حزب سالمندان بیش از ۵۰۰,۰۰۰ مراجعه‌کننده داشت و در هفته‌های پر هیجان و سرنوشت‌ساز پیش از رأی‌گیری، شمار مراجعه‌کنندگان به پایگاه اینترنتی حزب متجاوز از ۳۰,۰۰۰ تماس در ساعت بود!

مردم عادی دکتر هوریوشی، رهبر حزب سالمندان را بیشتر با لقب اینترنتی او، «نادای نادا»^۱ می‌شناسند که کلماتی اسپانیایی و به معنای «هیچ و هیچ» است و در کلمه «نادا»^۲ خلاصه می‌شود. دکتر هوریوشی توضیح می‌دهد که این اسم مستعار را برای آن برگزیده است که بیمارانش او را نشناسند. ولی اینکه چرا آقای هوریوشی تحصیل‌کرده فرانس، برای انتخاب اسم مستعار، واژه‌ای اسپانیایی را اختیار کرده است، معلوم نیست. خودش می‌گوید: «هیچ دلیلی ندارد. واقعاً هیچ دلیل خاصی ندارد.»

هدف عمده این پایگاه اینترنتی در آغاز کار مبارزه علیه جنگ دوم عراق بود؛ هدفی صلح‌جویانه، چون مؤسس آن در جنگ ویتنام درگیر شده بود، بدون آنکه هرگز در حزب سیاسی معینی فعالیت داشته باشد. هوریوشی در سال ۲۰۰۳، به دنیای اینترنتی وارد می‌شود تا به گفته خود «با جنگ عراق و مشارکت ژاپن در آن» به مبارزه پردازد. ولی مباحث مطرح‌شده در این پایگاه اینترنتی بزودی از مسئله اعزام نیروهای ژاپنی به عراق فراتر رفت. چرای قضیه روشن نیست. خود دکتر هوریوشی می‌گوید که «این امر کاملاً تصادفی بود، و از آنجا که احساس می‌کردم رو به پیری می‌روم، تصمیم گرفتم حزبی برای سازماندهی و مشارکت پیران درست کنم.»

آدمهای پیر خیلی پول دارند ...

در گفتگویی پودمانه‌تر با آقای هوریوشی که در خانه شخصی‌اش، بر فراز تپه سرسبزی در

1. Nada y nada

2. Nada

کاماکورا، - به فاصله یک ساعت با قطار تا شهر توکیو - صورت گرفت، رهبر حزب سالمندان، دلیل اصلی ایجاد حزب را چنین شرح داد:

هنگامی که به عنوان پزشک فعالیت داشتم، هرگاه درد و رنجی پیدا می‌کردم خودم برای خودم نسخه می‌پیچیدم. بعد که رفته‌رفته پا به سن گذاشتم و به هفتادسالگی رسیدم، تصمیم گرفتم برای درمان ناخوشی‌های خود به همکاری مراجعه کنم که در درمانگاه نزدیک خانه‌ام کار می‌کردند. در آنجا بود که با موضوع نامنتظره‌ای مواجه شدم. ماجرا از این قرار بود که پزشکان آنجا از من دو برابر هزینه‌های درمانی عادی درخواست کردند و، در برابر پرسش تعجب‌آمیز من، خیلی راحت گفتند که، "آدمهای پیر معمولاً خیلی پول دارند!" بعد هم، در مقابل اعتراض‌های اصولی من، یادآور شدند که مسئله جدی‌تر از اینهاست، چون دولت به موجب یک تصویب‌نامه "اصلاحی" جدید نرخ‌های درمانی افراد بالای هفتاد سال را افزایش داده است.

چنین بود که دکتر هوریوشی، تحت تأثیر این تصمیم «اصلاح‌گرانه» دولت، بی‌درنگ «حزب سالمندان» را برپا کرد تا از این گروه عظیم و بی‌دفاع حمایت کند. پایگاه اینترنتی «نادا» محصول این «شوک» باورنکردنی بود. و، به مجرد آنکه دکتر هوریوشی ماجرای مراجعه خود به درمانگاه و افزایش حیرت‌انگیز هزینه‌های درمانی سالخوردگان را در شبکه اینترنتی منعکس کرد، سیل عظیمی از نامه‌های اینترنتی و غیراینترنتی به سوی او روان شد.

هزاران زن و مرد بازنشسته که تا آن زمان خاموش مانده بودند، به مجرد آنکه مرجعی برای ابراز ناراحتی‌های خود یافتند، به پایگاه «نادا» رو می‌آوردند تا علیه این تصمیم دولت اعتراض کنند، زیرا افزایش نامعقول هزینه‌های درمانی آنها را وادار می‌ساخت که یا از هزینه‌های درمانی خود بکاهند (به زیان سلامتی‌شان) یا از دیگر هزینه‌های خود کم کنند (به زیان سطح زندگی نازل و نه چندان مطلوب‌شان).

بدین سان، «حزب سالمندان» («روجین تو»)^۱، برپا شد. دستور کار روز هم این بود: «مبارزه با

1. Rojin To

اهانت‌های آینده و دفع سیاست‌پیشگان بی‌پروا. در کشوری که افراد بالای ۶۵ سال ۱۹ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، نباید آنها را همچون یک «اقلیت حاشیه‌ای» مورد تبعیض و بی‌توجهی قرار داد».

تعریف بدیعی برای «خوشبختی»

پایگاه اینترنتی «نادا» که عملاً به صورت ستاد مرکزی «حزب سالمندان» درآمده است، به طور خستگی‌ناپذیری دربارهٔ سرنوشت محتوم «کارمندان و کارگران ساده» سالمند مانور می‌دهد، از جمله می‌گوید که «[آنها] به طور معمول، در اثر نظام بازنشستگی نامناسب و معیوب ژاپن، دستشان به دهانشان نمی‌رسد و نمی‌دانند چگونه باید روز را به شب برسانند».

دکتر هوریوشی، رهبر «حزب سالمندان»، می‌گوید که در سن ۷۶ سالگی هنوز هم تعریفی برای پیری ندارد: «این ناشناس هنوز هم برای من ناشناخته است و همواره سعی دارم که به نحوی با آن آشنا شوم».

یکی از همکاران فرانسوی او، در «انجمن پزشکی فرانسه - ژاپن» بر این اعتقاد است که دکتر هوریوشی، برخلاف گفته‌های معمولی‌اش، استنباط‌های بسیار ظریفی نسبت به موضوع دارد. به اعتقاد وی، «دکتر هوریوشی از جاذبهٔ یک روان‌پزشک ژاپنی برخوردار است که، پس از رها کردن حرفهٔ اصلی خود، معنا و مفهوم دیگری به زندگی شخصی‌اش بخشیده است. توان خارق‌العادهٔ او در این است که به طرز بدیعی به زندگی خویش می‌پردازد. او یاد گرفته است که نظاره‌گر پیر شدن خود باشد و پس از عقب‌نشینی از موضع روان‌پزشکی، دامنهٔ فعالیت‌های خود را برای دفاع از منافع همگانی گسترش داده است».

بدین ترتیب، پایگاه اینترنتی «نادا» با کاوش در اعماق ویژگی‌های فرهنگی جامعهٔ ژاپنی، سالمندان را از افسردگی‌های ناشی از بی‌توجهی، و گاه ستمگری، دیگران رهایی می‌بخشد. به عنوان مثال، وی از نفع‌های ناشی از حساسیت‌گوارشی سنین بالا با سالمندان سخن می‌گوید و، سپس، با واژه‌ها و عبارت‌های دلنشین، احساس شرمساری آنها را تخلیه می‌کند. پس از هر موضوع تازه‌ای که او پیش می‌کشد و مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌دهد، سیل نامه‌های تشکرآمیز به سوی او جاری می‌شود.

پایه‌گذار حزب سالمندان ژاپن تعریف ویژه‌ای از خوشبختی دارد: «خوشبختی چیزی است

که دقیقاً پس از گم کردن آن به وجودش پی می‌بریم.» کشور فرانسه نقش مهمی در مسیر زندگی او ایفا کرده است. او هنگامی که بیست‌ساله بود، به عنوان دانشجوی پزشکی بورس تحصیلی ویژه‌ای از دولت فرانسه دریافت داشت که به کمک آن توانست به مدت یک سال دانش خود را در زمینه مغز و اعصاب در بیمارستان‌های پاریس عمق بخشد. در کوی دانشگاه پاریس بود که با همسر آینده خود، دوشیزه‌ای فرانسوی، آشنا و پس از ازدواج با وی صاحب چهار دختر شد. او ده سال بعد، از نو به فرانسه بازگشت تا رشته تخصصی خود، - درمان الکلیسم - را به پایان برساند.

در همین دوره بود که فعالیت موازی او، به عنوان نویسنده، نیز شروع شد. در آغاز به نگارش رمان و داستانهای کوتاه روی آورد، ولی بعد به نوشتن مقاله‌ها و بررسی‌هایی در مورد «جامعه» پرداخت. در زمینه نویسندگی خود می‌گوید: «من هنوز هم یازده کتاب دیگر در دست تهیه دارم. بنابراین، خیلی پایین‌تر از نویسنده‌ای مثل بالزاک پرواز می‌کنم که همواره سی و سه کتاب در دست تألیف داشت!»

با این وصف، نویسندگی مانع از آن نشد که هوریوشی، حرفه پزشکی خود را تا سن ۶۵ سالگی ادامه دهد. ولی هیچ‌گاه نخواست از مزایای ارشدیت و «سابقه خدمت» برای تثبیت در مسئولیت‌های مدیریت و ریاست در مقام‌های تشریفاتی و پردرآمد استفاده کند. در این زمینه، خود او می‌گوید: «به محض آنکه می‌خواستند مرا به عنوان رئیس یا مدیر منصوب کنند، محل کار خود را عوض می‌کردم.»

بازنشستگی اجباری و استخدام مجدد با حقوق کمتر!

ولی همین انسان سنت‌شکن و بی‌اعتنا به آداب و رسوم اداری همواره با سالمندانی که به «حزب» نامه می‌نویسند همگام و همسخن بوده است. وی توضیح می‌دهد که، «من کشف کردم که نظام اجتماعی ژاپن تا چه حد، بد سازمان یافته است - البته، نه برای کارمندان ادارات. در بیشتر مؤسسات بزرگ، کارکنان به طور معمول ناچارند در ۶۰ سالگی خود را بازنشسته کنند - یعنی پنج سال زودتر از زمانی که مشمول دریافت مستمری بازنشستگی می‌شوند!»

در چنین شرایطی، همین کارکنان، ناگزیر باید در همان مؤسسه‌ای که شاغل بوده‌اند، کار و پیشه دیگری برای خود دست و پا کنند، ولی با مزدهایی کمتر! همین جریان موجب شده است که ژاپن در زمینه دیگری هم رکورددار باشد: یک‌سوم از مردان ۶۵ تا ۶۹ ساله در ژاپن هنوز کار می‌کنند.

در این زمینه، رهبر حزب سالمندان با هیجان زیاد یادآور می‌شود که، «هر زمان که دولت تصمیم می‌گیرد سن دریافت مستمری‌ها را عقب‌تر ببرد، من پیرمردان را به جنبش در می‌آورم و آنها را رودرروی نامزدها و مسئولان حزب لیبرال - دمکرات قرار می‌دهم که از پنجاه سال پیش به این طرف، تقریباً به طور پیوسته، حکومت را در دست داشته‌اند.»

پروفسور سیکه آتسوچی، استاد دانشگاه کیتو در توکیو، تأیید می‌کند که «در انتخابات محلی یا ملی ژاپن، افراد سالمند همیشه بیشتر از جوانان رأی می‌دهند.» واقعیت این است که امید به آینده بهتر، تداوم و استحکام پایگاه خستگی‌ناپذیر «نادا» را تاکنون تضمین کرده و در آینده هم خواهد کرد. کم نیستند نامزدهای انتخاباتی در ژاپن که پیش از هر رأگیری در این اندیشه به سر می‌برند که «اگر فقط ۱۰ درصد این سالمندان به من رأی بدهند...».

بسیاری از دولتمردان ژاپنی بخوبی می‌دانند که در ۲۰۱۵، یعنی یک دهه دیگر، بر اساس ضعیف‌ترین برآوردها، یک چهارم ژاپنی‌ها بیش از ۶۵ سال خواهند داشت. □

ایجاد اشتغال از طریق تسهیل بیکاری

قرارداد استخدام یا مجوز خاتمه خدمت بی‌دلیل؟

در گرماگرم نبرد فشرده‌ای که دولت فرانسه، (پس از رأی منفی مردم کشور به قانون اساسی اروپای متحد)، برای جلب آرای مردم و مبارزه بر ضد بیکاری‌های روزافزون آغاز کرده است، یکی هم تصویب «قرارداد استخدام» تازه‌ای است برای کارگاه‌های تولیدی و بنگاه‌های خدماتی متوسط و کوچکی که کمتر از ۲۰ کارگر در اختیار دارند.

۲/۳ میلیون کارگاه کوچک و متوسط

در شرایط موجود، در حدود ۲/۳ میلیون کارگاه کوچک و متوسط فرانسه کمتر از ۲۰ کارگر در استخدام خود دارند. این‌گونه کارگاه‌ها در واقع ۹۶ درصد از کل کارگاه‌های تولیدی کشور را تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار رسمی وزارت صنایع کوچک و متوسط، ۲/۲ میلیون از این نوع کارگاه‌ها کمتر از ۱۰ کارگر در استخدام خود دارند. و مجموع کارگاه‌هایی که کمتر از ۲۰ کارگر دارند، ۲۹ درصد از کل مشاغل صنعتی کشور را شامل می‌شوند.

اهمیت جایگاه این نوع کارگاه‌ها در زمینه اشتغال را هنگامی درک می‌کنیم که بدانیم، در پایان سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)، کشور فرانسه دارای ۲۲/۰۶ میلیون کارگر تولیدی بود که ۱۰/۴۲ میلیون آنها زن بودند و ۱۱/۶۴ میلیون آنها را مردان تشکیل می‌دادند، به موجب آمار رسمی «سازمان ملی آمار و مطالعات اقتصادی»^۱ فرانسه، ۱۷/۲۷ میلیون از کل کارگران یادشده در بخش خصوصی مشغول به کار بوده‌اند (یعنی چیزی بالغ بر ۸۰ درصد از کل شاغلان کارگاه‌های کوچک و متوسط).

در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)، بیش از ۴۹۱،۰۰۰ نفر از کارگران در استخدام موقت بوده‌اند، که از این عده ۱۴۸،۰۰۰ نفرشان زن و ۳۴۳،۰۰۰ نفرشان مرد بوده‌اند.

بیشتر کارگرانی که در استخدام موقت هستند، به موجب قراردادهای مدت‌دار مشغول به کار می‌شوند، به نحوی که در پایان مدت معین قرارداد آنها به پایان می‌رسد و کارفرما مختار است قرارداد آنها را تمدید کند یا نکند. در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)، شمار کلی این‌گونه کارگران قراردادی در بخش خصوصی به ۱/۹ میلیون می‌رسید که ۶۶۷،۰۰۰ نفر آنها زن و ۵۲۰،۰۰۰ نفرشان مرد بوده‌اند. در بخش عمومی شمار این‌گونه کارگران به ۴۹۷،۰۰۰ نفر می‌رسید (۳۱۸،۰۰۰ زن و ۱۷۹،۰۰۰ مرد).

گذشته از این‌گونه شاغلان، ۳/۸ میلیون نفر نیز در همین سال به طور پاره‌وقت در کارگاه‌های کوچک و متوسط کار می‌کرده‌اند (۳/۲ میلیون زن).

قرارداد جدید

قرارداد تازه‌ای که در چارچوب سیاستهای جدید اشتغال برای استخدام کارگران از سوی دولت ارائه شده، تغییرات ژرفی در «حق کار» به وجود می‌آورد که پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن هنوز روشن نیست. به موجب این سیاست جدید اشتغال، ۹۶ درصد از مؤسسات تولیدی فرانسه خواهند توانست قراردادی با مدت نامعلوم^۲ به داوطلبان استخدام پیشنهاد کنند که شامل یک دوره آزمایشی دوساله است.

مفهوم این قرارداد جدید آن است که کارگاه یا مؤسسه استخدام‌کننده مجاز خواهد بود بدون

1. Institut National de Statistique et des Etude Economiques (INSEE)

2. Contrat à durée indéterminée

ارائه هرگونه دلیل اقتصادی یا علت انضباطی، قرارداد استخدامی فرد شاغل را خاتمه دهد. از جمله دلایل توجیهی قرارداد جدید یکی هم این است که دولت خواسته است با یک تیر دو نشان بزند؛ بدین معنا که هم از طریق کاهش قید و بندهای مزاحم، کارفرمایان را تشویق به استخدام کند و راه ادغام مجدد بسیاری از کارگران بیکار شده در محیط کار را هموار سازد و هم نظر اقتصاددانان لیبرال مسلک و نیز آزادی رفتارهای اقتصادی کارفرمایان را تأمین کند.

به علاوه، دولت تغییر و تبدیل‌های دیگری نیز در زمینه حق کار و اشتغال به عمل آورده یا خواهد آورد، از جمله: ساده‌سازی تشریفات اداری استخدام‌ها در مؤسسه‌هایی که حداکثر پنج کارگر دارند؛ خنثی کردن مالیاتی و اجتماعی فراتر رفتن از آستانه ۱۰ کارگر در کارگاه یا مؤسسه و به حساب نیاوردن شاغلان کمتر از ۲۶ سال در شمار شاغلان کارگاه یا مؤسسه (به دلیل پیامدهای سودمندی که این عمل برای تعهدات اجتماعی کارفرما به دنبال خواهد داشت، بویژه در زمینه تعیین نمایندگان کارکنان).

راه‌حل‌های تحریک‌آمیز برای اشتغال

ولی، سندیکاهای کارگران و کارکنان، علاوه بر این موضوع آخری که از نظر آنها نوعی راه‌حل تحریک‌آمیز و تحمل‌ناپذیر است، اصولاً فلسفه حاکم بر این‌گونه نوآوری‌ها را قبول ندارند. به اعتقاد آنها، راه‌حل‌ها و طرح‌هایی از این دست، نه فقط کمکی به حل مسئله اشتغال نخواهد کرد، بلکه محیط کار را در فضایی آکنده از تزلزل و بی‌اعتمادی غرق خواهد کرد.

از سوی دیگر، سازمانهای صنفی و حرفه‌ای کارگران اعلام داشته‌اند که قرارداد پیشنهادی - قرارداد با مدت نامعلوم - در عمل جانشین «قراردادهای دارای مدت معین» خواهد شد. به همین دلیل، سازمانهای کارگری فرانسه تظاهرات گوناگونی را برای مخالفت با «قرارداد جدید» تدارک دیده‌اند.

در برابر این واکنش‌ها، دولت نیز بیکار نمانده و در نشست‌های متعددی که با نمایندگان کارگران برگزار می‌کند، دلایل خاص خود را پیش می‌کشد، از جمله این که هم‌اکنون هم در عمل ۷۵ درصد از استخدام‌هایی که در بخش خصوصی یا حتی در بخش عمومی به عمل می‌آید، بر اساس فرمول‌هایی صورت می‌گیرد که ویژگی مشترک آنها موقت بودن و ناپایدار بودن است، و، به هر حال، هدف عمده این است که نرخ فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در کشور افزایش یابد،

حتی اگر قرار باشد این افزایش نرخ اشتغال، منجر به دوره‌های زمانی گذرایی شود که توأم با ایمنی حقوقی کمتری باشد.

تعمیم احتمالی قرارداد جدید استخدام

آقای دومنیک دو ویلین، نخست‌وزیر فرانسه، که این طرح بحث‌برانگیز اشتغال را در دستور کار دولت خود قرار داده است، هنگام اعلام سیاستهای کلی دولت خود به صراحت یادآور می‌شود که، «با آنکه قانون کار ما یکی از حمایت‌گراانه‌ترین قانون‌های رایج در اروپاست، بخش وسیعی از کارگران ما از لحاظ ایمنی شغلی احساس نگرانی می‌کنند».

سازمانهای کارفرمایی، برعکس، استقبال خوبی از این طرح به عمل آورده‌اند. بویژه، «سازمان ملی کارفرمایان فرانسه» که از هم‌اکنون خواستار تعمیم قرارداد جدید استخدام به تمام بنگاه‌ها و مؤسسات تولیدی کشور شده است، طرح جدید دولت را به نفع مصالح عمومی کشور می‌داند. وزیر کار فرانسه، ژرارد لارشه، نیز این تعمیم را ناممکن نمی‌داند و، برعکس، پیش‌بینی کرده است که پس از ارزیابی‌های لازم از عملکرد اقتصادی و اجتماعی طرح جدید، به احتمال زیاد در اواخر سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) قرارداد جدید استخدام به تمام مؤسسات صنعتی و خدماتی کشور تعمیم داده خواهد شد.

بر اساس نظرخواهی تازه‌ای که درباره این قرارداد جدید استخدام به عمل آمده (اواسط ژوئیه گذشته)، ۱۸ درصد از مؤسسات کوچک و متوسط با کمتر از ۲۰ کارگر، اعلام داشته‌اند که آماده‌اند از ماه سپتامبر به بعد حداقل یک اشتغال از نوع «مدت نامعلوم» داشته باشند که همین اقدام کوچک موجب تحقق ۵۰۰,۰۰۰ استخدام جدید خواهد شد.

نظر کارشناسان اشتغال بر این است که هرگاه این وعده‌ها عملی شود - حتی به طور ناقص - به دولت امکان خواهد داد که در شرط‌بندی خود برای کاهش بیکاری برنده بیرون آید. واقعیت این است که نرخ بیکاری در فرانسه، به رغم کاهش‌های جزئی در ماههای اخیر، به سطح ۱۰/۱ درصد جمعیت فعال کشور رسیده است.

ولی، «کنفدراسیون عمومی سندیکا‌های مؤسسات کوچک و متوسط» که نمایندگی مؤسسات تولیدی کوچک را بر عهده دارد، یادآور شده است که «در حقیقت فعالیت‌های اقتصادی هستند که شغل ایجاد می‌کنند، نه نوع قراردادهای استخدام. گذشته از این اصل اساسی، نتیجه

احتمالی چنین قراردادهایی زودتر از یک سال دیگر آشکار نخواهد شد، چون با این قراردادهای گوناگون، صاحبان صنایع در کلاف سردرگمی از مقررات و فرمول‌های استخدامی رنگارنگ گرفتار آمده‌اند.

رئیس جمهوری فرانسه، ژاک شیراک، نیز در این ماجرا بی‌طرف نمانده است و، در جریان نشست مشترک با حضور تمام وزیرانی که به نحوی از انحا با این طرح جدید اشتغال سروکار دارند، به طرزی صریح هشدار داده است: «از هم‌اکنون باید این جریان را جدی گرفت، از هم‌اکنون باید متوجه باشیم که هیچ‌گونه تأخیری در عملی کردن این طرح پذیرفتنی نیست. این راه همه ما می‌دانیم. راه درازی در پیش داریم که انباشته از مشکلات است، انرژی فراوان لازم دارد، تلاش‌هایی بی‌وقفه می‌طلبد و مستلزم پشتکار و استحکام اراده است».

به هر حال، در ماههای آینده روشن خواهد شد که این تجربه بی‌سابقه تا چه حد موفقیت‌آمیز خواهد بود.

از آنجا که مسئله اشتغال و مبارزه با بیکاری، به دلایل گوناگون، در بیشتر کشورهای دنیای کنونی، اعم از پیشرفته و غیرپیشرفته، به صورت نوعی بیماری درمان‌ناپذیر درآمده است، شاید بی‌فایده نباشد که جزئیات بیشتری از طرح مورد بحث در این مقاله را، با آنکه در چارچوب شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور معینی به عمل درمی‌آید، در اینجا مطرح کنیم. آگاهی به چنین طرح‌ها و سیاستهایی در زمینه اشتغال و مبارزه با بیکاری، حداقل می‌تواند برای کارشناسان و علاقه‌مندان به تحقیق و توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فکری‌رنگیز باشد.

پنج تدبیر غیرمعارف برای طرح اضطراری اشتغال

چنان‌که اشاره کردیم، قرارداد تازه «استخدام با مدت نامعلوم» برای مؤسساتی در نظر گرفته شده که کمتر از ۲۰ کارگر دارند. در مدت دو سال پس از انعقاد قرارداد (دوره آزمایشی) کارفرما یا کارگر می‌توانند بدون هرگونه توجیه، صرفاً با ارسال یک نامه سفارشی با اعلام وصول برای طرف مربوط به قرارداد خاتمه دهند.

مدت زمان لازم برای فسخ قرارداد مورد بحث دو هفته خواهد بود (برای سابقه خدمت کمتر از شش ماه) و یا یک ماه (برای سابقه خدمت بیشتر از شش ماه).

گرامت فسخ قرارداد معادل ۸ درصد دستمزد ناخالصی خواهد بود که در مدت قرارداد پرداخته شده باشد. کارفرما، علاوه بر این مبلغ، معادل ۲ درصد دستمزد ناخالص کارگر مربوط را نیز به سازمان بیمه‌های بیکاری خواهد پرداخت.

کارگری که پرداخت‌های لازم برای استفاده از بیمه بیکاری را انجام نداده باشد، فقط «مستمری مقطوعی از سوی دولت» دریافت خواهد کرد.

ویژگی‌های غیرمتعارف قرارداد استخدام با مدت نامعلوم را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. به منظور تشویق کارگاه‌های صنعتی و مؤسسات تولیدی دیگر به استخدام بیش از ۱۰ کارگر، متن قانونی ناظر بر «قرارداد استخدام با مدت نامعلوم»، پیامدهای مالی تجاوز از این آستانه استخدام (۱۰ کارگر) را از طریق تجدیدنظر در سه نوع عوارض موجود تغییر داده و کاهش‌هایی برای آنها در نظر گرفته است: برای عوارض پرداخت شده به «صندوق ملی کمک به مسکن و مشارکت در برنامه‌های ساختمانی» آستانه ۱۰ کارگر به ۲۰ کارگر افزایش یافته است؛ برای مشارکت در هزینه تعلیمات حرفه‌ای، آستانه‌ای بین ۱۰ تا ۱۹ کارگر در نظر گرفته شده است؛

۲. اعتبار مالیاتی برای جوانان. در متن قانون قرارداد جدید استخدام اعتبار مالیاتی ۱۰۰۰ یورویی (برای درآمدهای بین ۲,۹۷۵ و ۱۰,۰۶۰ یورو) برای جوانانی در نظر گرفته شده که کمتر از ۲۶ سال دارند و دارای سابقه خدمتی معادل ۶ ماه پیاپی در حرفه‌ای هستند که از نظر استخدام کارگر در تنگنا قرار گرفته باشد؛

۳. کم‌شماری کارکنان. کارکنانی که کمتر از ۲۶ سال داشته باشند به حساب نخواهند آمد - با «عطف به ماسبق» (از تاریخ اجرای قانون جدید استخدام). منظور از این اقدام، پایین آوردن آستانه‌ای است که در قانون کار برای شمول تعهدات اجتماعی یا برای شمول تعهدات مالی کارگاه‌ها (کمک هزینه مسکن، هزینه حمل و نقل و مانند اینها...) در نظر گرفته شده است؛
۴. این «کم‌شماری» قانونی تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷ قابل اجرا خواهد بود و پس از آن نتایج مثبت یا منفی طرح مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت؛

۵. بازرسی سطح اشتغال. این بازرسی بدان معناست که کارگاه‌هایی که حداکثر دارای ۵ کارگر باشند، می‌توانند تعهدات اداری خود (قرارداد کار، پرداخت حق بیمه‌ها، صورتحساب پرداخت کارمزدها و غیره...) را با تسهیلات بیشتری به انجام برسانند. □